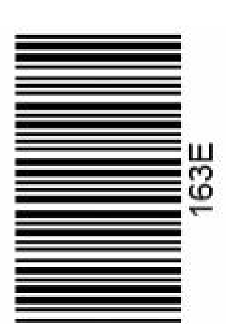


کد کنترل





نام:

نام خانوادگی:

محل امضا:

«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»
امام خمینی (ره)

صبح جمعه
۱۳۹۶/۱۲/۴
دفترچهٔ شماره (۱)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فنّاوری
سازمان سنجش آموزش کشور

آزمون ورودی دورهٔ دکتری (نیمه‌متمرکز) ـ سال ۱۳۹۷

رشتهٔ زبان و ادبیات عرب (کد ۲۱۱۰)

تعداد سؤال: ۱۰۰

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شمارهٔ سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شمارهٔ	تا شمارهٔ
۱	مجموعه دروس تخصصی: ترجمه متون ـ صرف، نحو و مهارت‌های زبانی ـ علوم بلاغی(معانی، بیان و بدیع) ـ تاریخ ادبیات عربی ـ نظم و نثر قدیم و جدید عربی	۱۰۰	۱	۱۰۰

این آزمون نمرهٔ منفی دارد.

استفاده از ماشین‌حساب مجاز نیست.

■ ■ عیّن الأصحّ و الأدقَّ للجواب عن الترجمة أو المفهوم أو التعریب (۱ - ۱۲)

۱- ﴿و لا تقفُ ما لیس لك به علم، إنّ السّمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئك کان عنه مسؤولًا﴾:

۱) چیزی را که علم آن را نداری دنبال مکن، چه گوش و چشم و دل همگی و بطور جمعی پاسخگوی آن خواهند بود!

۲) برآنچه بدان وقوف نداری تکیه مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب تو جمعًا در مورد آن سؤال خواهند شد!

۳) از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن، چه هر یک از گوش و چشم و دل همگی در مورد آن مورد سؤال می‌باشند!

٤) بر چیزی که نمی‌دانی توقّف مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب همگی مسؤول آن خواهند بود!

۲- « إن أقعد أحدًا منکم الکبر عن مکسبه و لقاء إخوانه، فزوروه و عظّموه و استظهروا بفضل تجربته!»:

۱) اگر کهولت سن کسی را از بین شما از کار و کسب و دیدار یارانش بازداشت، به دیدارش بروید و بزرگش دارید و از نعمت تجربه‌اش کمک بگیرید!

۲) اگر کسی از بین شما بخاطر کبر و خودخواهی از کسب روزی باز ایستاد، پس شما او را دیدار کنید و کارش را بزرگ دارید و تجربه‌اش را آشکار کنید!

۳) چنانچه کسی را کهنسالی از کسب روزی ناتوان کرد و از دیدار برادران منع نمود، پس او را ببینید و بزرگ بدارید و بخاطر تجربهٔ عظیمش یاریش کنید!

٤) چنانچه کسی از شما در بزرگسالی از کار کردن و دیدار دوستان ناتوان شد، شما او را دیدار کنید و به بزرگداشت او بپردازید و از تجربه‌اش استفاده کنید!

۳- « إنّما یَبین نقصان الماء علی مثلي الّذي کأنّي السّفینة لا أقدر علی العیش إلّا بالماء!»:

۱) فقط کمی آب برای من واضح است که چون کشتی قادر به ادامهٔ زندگی بیرون از آب نیستم!

۲) کمبود آب فقط بر من که مثل کشتی هستم که نمی‌تواند در جایی جز آب زندگی کند آشکار می‌شود!

۳) فقط کمبود آب بر من ظاهر می‌شود که گویی مثل کشتی هستم که فقط در آب می‌توانم حیات داشته باشم!

٤) کمبود آب فقط بر چون منی که گویی من همان کشتی هستم که فقط بوسیلهٔ آب قادر به زندگی هستم، نمایان می‌شود!

۴- « أ لم تَرَ أنَّ المرء رهنُ منيّةٍ، صريعٌ لِعافي الطّير، أو سوف يُرْمسُ!»:

۱) مگر ندیدی که انسان در گرو مرگ است، یا کشته می‌شود تا روزی پرندگان شود یا در زمین مدفون می‌گردد!

۲) آیا ندیده‌ای که انسان در گروِ مرگ است، آن‌گونه که یا برای پرندگانِ طالب روزی کشته می‌شود، و یا به خاک سپرده خواهد شد!

۳) مگر نمی‌بینی که سرنوشت انسان محکوم به مرگ است و او یا به مرگ طبیعی می‌میرد و طعمهٔ پرندگان روزی‌طلب می‌شود، و یا در قبر گذاشته می‌شود!

۴) آیا ندیدی که انسان همچون گروگانی در دست مرگ است، اگر اراده کند او را برای تأمین روزی پرندگان می‌کشد و یا اینکه در خاک دفنش خواهد کرد!

۵- « أعوامُ وصلٍ كان يُنسي طولَها ذكرُ النَّوى، فكأنّها أيّامُ!»:

۱) سالهای وصلی است که یاد فراق، طولانی بودن آن را از یاد می‌برد، گویی که آن سالها روزهایی بیش نبودند!

۲) یاد لحظه‌های فراق سالیان پیوند و آشنایی را کوتاه می‌کند، گویی که آن سالها در چشم من بیش از چند روز نبوده‌اند!

۳) بخاطر آوردن جدایی، طول مدّت آشنایی و وصل را محو می‌کند، انگاری که تمام آن سالها طی چند روز اتّفاق افتاده است!

۴) سالهای وصل را بخاطر می‌آورم، یاد جدایی از آن سالها مدّت طولانیش را از ذهن پاک می‌کند، مثل این است که روزها گذشته است!

۶- « و نُكرم جارنا مادام فينا و نُتبعه الكرامة حيث مالا!»:

۱) همسایهٔ خودمان را مادام که بین ما است اکرامش می‌کنیم، و هر کجا برود کرامت خویش را به دنبال او روانه می‌سازیم!

۲) همسایه را تا وقتی در بین ما اقامت دارد احترام می‌کنیم، و چون از ما رویگردان شود باز هم او را اکرام می‌کنیم!

۳) هرکس را که به ما جور کند نیز مورد مکرمت خود قرار می‌دهیم، و به هر جا روی بیاورد کرم خویش را در پی او می‌فرستیم!

۴) آن‌کس را که در جوار ما بسر می‌برد در معرض احترام قرار می‌دهیم، و چون به سمتی روانه شود با اکرام به دنبال او می‌رویم!

۷- عیّن **الخطأ**:

۱) إلی الله أشکو من معشر یعیشون جهّالًا و یموتون ضُلّالًا،: من از گروهی که با نادانی زیست می‌کنند و گمراه می‌میرند، به الله شکایت می‌کنم،

۲) لیس فیهم سلعةٌ أبور من الکتاب إذا تُلي حقّ تلاوته،: نزد آنان کالایی بی‌رونق‌تر از قرآن نیست هرگاه آنطور که شایستهٔ آن است تلاوت گردد،

۳) و لا سلعة أغلی ثمنًا من الکتاب إذا حُرّف عن مواضعه،: و نه کالایی گرانبهاتر از قرآن است هرگاه از مواضع خود تحریف گردد،

۴) و لا عندهم أنکر من المعروف و لا أعرف من المنکر!: و منکرتر از امر به معروف نزد آنان نیست و جز منکر از آنان نمی‌شناسم!

۸- « و ما کنت ممّن أدرك الملك بالمُنی و لکن بأیّام أشبن النواصیا!». عیّن **الأقرب** إلی مفهوم البیت:

۱) ای مسیح خوش نفس چونی ز رنج که نبود اندر جهان بی رنج گنج!

۲) عمر بگذشت و ندیدیم به خود روزبهی تا به کی ای فلک، این دور مکرر دیدن!

۳) موی سپید را فلکم به رایگان نداد این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام!

۴) خواب نوشین بامداد رحیل بازدارد پیاده را ز سبیل!

۹- « إن کان لا یُغنیك ما یکفیکا فکلّ ما في الأرض لا یُغنیکا!». عیّن ما **لایناسب** مفهوم البیت:

۱) گدا را کند یک درم سیم سیر فریدون به ملک عجم، نیم سیر!

۲) گفت چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پر کند یا خاک گور!

۳) گنج زر گر نبود گنج قناعت بر پاست آنکه آن داد به شاهان، به گدایان این داد!

۴) رودهٔ تنگ به یک نان جوین پر گردد نعمت روی زمین پر نکند دیدهٔ تنگ!

۱۰- **« گرسنگی و قحطی نمی‌توانند بر جنگجوی شجاع چیره گردند و اورا از مبارزه بازدارند، کما اینکه گرمای سوزان نمی‌تواند بر گیاهان صحرایی تأثیر کند!». عیّن الصحیح:**

۱) لا یمکن للجوع و المجاعة التغلّب علی المکافح الباسل و تمنعه من النّضال، کما أنّ شدّة الحرّ لا تؤثّر علی الأشجار الصحرائیّة!

۲) إنّ الجوع و الجدب لا یمکن لها الغلبة علی کلّ محارب شجاع و تمنعه عن المحاربة، کما أنّ حمارة القیظ لا یمکن له التأثیر علی النباتات البریّة!

۳) إنّ المجاعة والجوع لا تستطیعان أن تغلب المناضل الباسل و تشغلانه عن المحاربة، کما أنّ شدّة الحرارة لا یمکن أن تتأثّر بالأشجار الصحراویّة!

۴) لا یستطیع الجوع و المجاعة أن یتغلّبا علی المناضل الشّجاع و یشغلاه عن المناضلة، کما أنّ حمارة القیظ لا تستطیع أن تؤثّر علی النباتات البریّة!

۱۱- « زنهار از اینکه در بین مردم چون حیله‌گران زندگی کنید و در بین مسلمین تفرقه بیفکنید!». **عيّن الخطأ:**

۱) إيّاكم و المعيشة بين النّاس كعيش الماكرين، و أن تفرّقوا بين المسلمين!

۲) إيّاكم أن تعيشوا بين الناس عيشة الماكرين و تشقّوا عصا المسلمين!

۳) حذار من العيش بين الأنام كما يعيشه المحتالين و أن لا تشقّوا عصا المسلمين!

٤) العيشَ بين الأنام محتالين و بثَّ الفرقة بين المسلمين!

۱۲- « برخی صنایع ادبی در ضرب‌المثلهای عربی نفوذ کرده بود، امّا در تمام آنها عمومیّت نداشت، بلکه بسیاری از این ضرب‌المثلها خالی از هر نوع فنّ و بیانی بود، زیرا ضرب‌المثلها عادتًا در زبان محاوره رایج است!». **عيّن الصحيح:**

۱) كانت قد تسرّبت الأمثال العربيّة في المجتمع العربي دون بعضه، و الأمثال الأدبيّة هذه كثيرًا ما كانت خالية عن الفنّ و البيان، و كانت تسود في لغة التّحاور كالعادة!

۲) بعض الصنائع الأدبيّة كانت قد تسرّبت في الأمثال العربيّة، و لكنّها لم تستوعبها كلّها، بل كثير من هذه الأمثال كانت مغسولة من كلّ فنّ و بيان، لأنّ الأمثال تجري في لغة التّخاطب عادةً!

۳) من الصنائع الأدبيّة ما كانت تنفذ في الأمثال العربية، و لكن لا تشمل كلّ ذلك، بل كثيرًا ما كانت الأمثال تضرب دون أيّ فنّ و بيان، لأنّ الأمثال هذه جارية في لغة الحوار كالعادة!

٤) كانت الصنائع الأدبية تدخل في أمثال اللّغة العربية، و لكنّها لا توجد في كلّها، بل الأمثال العربية كانت تخلو من الفنّ و البيان كثيرًا، و عامّة الناس تستفيد منها في لغتها الدّارجة عادةً!

■■ عيّن المناسب للجواب عن الإعراب و التحليل الصرفي (۱۳ - ۱۷)

۱۳- ﴿ ... إن كنتم خرجتم جهادًا في سبيلي و ابتغاء مرضاتي ...﴾. **عيّن الصحيح:**

۱) إبتغاء: مصدر من باب افتعال – معرب – ممدود – منصرف / معطوف و منصوب بالتبعية للمعطوف عليه «جهادًا»

۲) خرجتم: ماضٍ – مجرّد ثلاثي – صحيح و سالم / فاعله ضمير التاء البارز، والجملة فعلية و شرطية و في محلّ الجزم

۳) جهاداً: مصدر من باب مفاعلة / مفعول لأجله و عامله «خرجتم»، أو مفعول مطلق لعامل محذوف، أو حال مؤوّلة إلى المشتق أو خبر «كان»

٤) مرضاتي: جمع سالم للمؤنث – جامد و مصدر ميمي/ مضاف إليه في اللّفظ، و في المعنى مفعول به لشبه الفعل «ابتغاء»، و ضمير الياء مضاف إليه

۱۴- ﴿ آتُوني زبر الحديد حتّى إذا ساوَى بين الصَّدفين قال انفُخوا حتّى إذا جعله ناراً قال آتوني اُفرغ عليه قطراً﴾. عيّن الصحيح:

۱) ساوى: فعل ماضٍ من باب مفاعلة و لفيف مقرون، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازًا تقديره «هو» و الجملة فعلية و في محلّ نصب على الظرفية!

۲) آتُوا (الأُولى): فعل أمر من المجرّد الثلاثي، معتل و ناقص (إعلاله بالحذف)، و مبني على حذف نون الإعراب

۳) اُفرغ: متنازع فيه، مجرّد ثلاثي و جواب طلب و مجزوم على أنّه جواب لشرط محذوف مع أداته

۴) قطرًا: متنازع فيه، و هو مفعول به لفعل « اُفرغ»، و العامل الآخر مستغنٍ عن المعمول

۱۵- « من نظر في عيوب الناس و أنكرها ثم رضيها لنفسه فذلك الأحمق بعينه!». عيّن الخطأ:

۱) الأحمق: مشتق و اسم تفضيل (مصدره: حمق) / خبر مفرد و مرفوع

۲) نظر: فعل ماضٍ و شرط و مجزوم محلاً، و جواب الشرط الجملة الاسمية « ذلك...»

۳) أنكر: ماضٍ من باب إفعال، فاعله ضمير «هو» المستتر فيه جوازًا، و معطوف على فعل « نظر»

۴) عين: اسم جامد و مجرور بالباء الزائدة في اللّفظ و مرفوع محلاً بالتبعية على أنّه مؤكّد معنوي للنسبة

۱۶- « كم من كلمة خفيف وزنها أودت بجماعة وفير عددها». عيّن الخطأ:

۱) عدد: مبتدأ مؤخّر، و خبره « وفير» و الجملة اسمية و نعت للمنعوت « جماعة» و رابطه ضمير الهاء

۲) خفيف: نعت سببيّ تابع للمنعوت أو الموصوف « كلمة» في الإعراب، و عامل في المعمول « وزن»

۳) أودت: ماضٍ من باب إفعال و لفيف مقرون، و متعدٍّ بالباء، و مع فاعله جملة فعلية و خبر للمبتدأ «كم»

۴) كم: كناية عن العدد المبهم و خبريّة، و في محل رفع على الابتداء و تمييزها « كلمة» المجرور بحرف « من» الزائدة

۱۷- « ببذلٍ و حلمٍ ساد في قومه الفتى و كونُك إيّاه، عليك يسيرُ!». عيّن الخطأ:

۱) إيّاه: ضمير منفصل منصوب و مرجعه «الفتى» و خبر « كان» المفرد و في محل نصب، و اسم « كان» ضمير الكاف

۲) يسير: مشتق و صفة مشبّهة (مصدره: يسر) و خبر للمبتدأ « كون» و مرفوع و متعلّق للجار و المجرور «عليك»

۳) الفتى: صفة مشبّهة و اسم مقصور، فاعل و مرفوع بضمّة مقدّرة، و عود ضمير « قومه» إلى المتأخر جائز

۴) كونك: من النواسخ و مرفوع على الابتداء، اسمه ضمير الكاف و خبره جملة «عليك يسير»

■ ■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۸-۳۲)

۱۸- **عيّن الصحيح** (عن الجمع):

۱) سئل الجريحون في الحادثة عمّا وقع طيلة السّفر!

۲) الأُستاذ يدرّس درسًا جديدًا بسرعة و الطلّاب حيرانون!

۳) الإخوان الأسدون يحامون عن وطنهم و لا يقصّرون!

٤) إنّ ذوي سيبويه هم الّذين سُمّوا بهذا الاسم الشهير!

۱۹- **عيّن الصحيح عن المصغّر للأسماء التالية: بنت، اسم، كتاب، سوداء:**

۱) بنيّت، اسَيْم، كتَيِّب، سوَيْداء

۲) بنيّة، سمَيّ، كُتيْب، سوَيْداء

۳) بنيّت، اسَيْم، كتيِّب، سوَيداء

٤) بنيّة، سمَيّ، كتيِّب، سوَيداء

۲۰- **عيّن الخطأ عن صيغة الأسماء الّتي أُشير إليها بخطّ:**

۱) سبّح لله تسبيحة (اسم النّوع أو الهيئة)

۲) ﴿ قالوا معذرة إلى ربّكم﴾ (مصدر ميمي)

۳) ﴿ يظنّون بالله غير الحقّ ظنّ الجاهليّة﴾ (مصدر صناعي)

٤) أُطلب الإجابة عند اقشعرار الجلد و عند إفاضة العَبرة! (مصدر رباعي مزيد)

۲۱- **عيّن الخطأ** (بالنسبة إلى مرجع الضمير):

۱) شاهد الطّفلان أباهما!

۲) شاهد أبوهما الطّفلين!

۳) شاهد الطّفلين أبوهما!

٤) شاهد أباهما الطّفلان!

۲۲- **عيّن الخطأ** (في وزني فعيل و مفعول):

۱) غُصتُ في البحر للسّباحة، فإذا غريق كان يستصرخني!

۲) كانت تدرّسنا معلّمة صبور، لا تتعب من أسئلتنا الكثيرة!

۳) هناك امرأة غريق تتشبّث بكّل شيء لنجاتها، أعِنْها لتنجو!

٤) عندي صديق صبور، يداري و يتماشى معي في كلّ الأُمور!

۲۳- **عيّن ما لم يتقدّم الخبر وجوبًا:**

۱) أين أخوك، ما رأيته منذ مدّة؟

۲) ما ناجح إلّا الصّادق في أعماله!

۳) أ طالبة في الصفّ أم طالب؟

٤) إنّما شجاع من يحارب شيطان نفسه!

۲۴- **عیّن ما ليس فيه «أن» المخففة:**

۱) ﴿ أشهد أن لا إله إلّا الله﴾
۲) ﴿ أ فلا يرون ألاّ يرجع إليهم قولاً﴾
۳) ﴿ ربّنا إنّنا سمعنا مناديًا يُنادي للإيمان أن آمنوا بربّكم﴾
۴) ﴿ علم أن سيكون منكم مرضى و آخَرون يضربون في الأرض﴾

۲۵- **عیّن الخطأ نحويًا:**

۱) من أراد البقاءَ ليوطِّنْ نفسه على المصائب!
۲) كُلُّ إناءٍ يَنضح بما فيه!
۳) كَفَى بالمرء خيانةً إن كان أمينًا للخَونة!
۴) الوَضيعُ من وَضع نفسَه!

۲۶- **عیّن الخطأ (في العدد):**

۱) إنّه أتى لنا بمائة دليل و نيّف ليثبت مدّعاه!
۲) له ستٌّ و نيّف من المقالات العلمية البارعة!
۳) يدرس في كليّتنا ألف و نيّف من الطلبة و الطالبات!
۴) كان يطالب من الأجرة تسعين و نيّفًا من التّومانات!

۲۷- **عیّن حرف «لا» ليست لنفي الجنس:**

۱) لا عمل خير ضائع و لا عمل سوء رابح!
۲) لا مهملًا واجباته ناجح!
۳) لا في الصفّ معلّم و لا طالب!
۴) لا ضدّين مجتمعان!

۲۸- **عیّن العبارة التي جاء فيها المفعول المطلق مرّتين:**

۱) جلست على الكرسيّ جلوسًا صحيحًا!
۲) علّمته الدرس مرّتين اثنتين!
۳) كتبت كتابًا لم يكتب أحد مثله!
۴) مشيت مشيًا لا يمشيه أحد!

۲۹- **عیّن الصحيح في المفعول لأجله:**

۱) إنّها طالعت هذه المقالة علماً بأنّها تفيدها!
۲) على المؤمن ألاّ يُخطّط في حياته ادّخارًا للمال فقط!
۳) قمنا بإقامة الحصون حولنا خائفين العدوّ اللّدود!
۴) يبجّل الناس الإنسان الصادق حبًّا لصدقه في العمل!

۳۰- **عیّن اسم الفعل بمعنى الأمر:**

۱) مه ما هذا الفضول!
۲) هيهات منّا الذلّة!
۳) بخٍّ لك على هذا التقدّم!
۴) شتّان ما بين المجتهد و الكسلان!

۳۱- **عیّن الخطأ في إنشاء صيغة التعجّب:**

۱) علُم هذان الطّالبان!
۲) ما كان أعلم هاتين الطّالبتين!
۳) علُم بهاتين الطّالبتين!
۴) ما يكون أعلم هذين الطّالبين!

۳۲- عيّن **الخطأ** في إعراب المستثنى:

۱) ما تخرّجت طالبات كلّيتنا إلّا عشرين منهنّ!

۲) لم يبق في الصفّ إلّا خمسة و عشرين من الطّلبة!

۳) لن يفوز في السّباق إلّا هؤلاء المثابرون في التدريب!

٤) لم يفز في سباق العام الماضي إلّا المثابرون و المثابرات!

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۳۳-٤۲)

۳۳- عيّن مخاطباً كان إنكاره أشدّ:

۱) برجاء جودك يُطرد الفقر!

۲) ألا إنّما الدنيا بلاغٌ لغاية!

۳) إلى الله أشكو لا إلى النّاس!

٤) و ما العيش إلاّ مدّة سوف تنقضي!

۳٤- عيّن ما **يختلف** فيه غرض الاستفادة من اسم الموصول:

۱) ﴿ فأغرقناه و من معه جميعًا﴾

۲) ﴿ يقولون بألسنتهم ما ليس في قلوبهم﴾

۳) ﴿ يوم تجد كلّ نفس ما عملت من خير محضرًا﴾

٤) ﴿ ففزع من في السّماوات و من في الأرض﴾

۳٥- عيّن **الخطأ** حول عبارة «إذا أردت فأنت تجود»:

۱) تستوعب العبارة المدح و الذمّ!

۲) حذف المفعول به للبيان بعد الإبهام!

۳) المتكلّم متفائل بإرادة الجود!

٤) قدّم المسند إليه لإفادة الثبوت و الاستقرار!

۳٦- عيّن الصحيح في سبب الفصل:

۱) مات فلان رحمه الله (شبه كمال الانقطاع)

۲) فيا موتُ زُر إنّ الحياة ذميمة (كمال الاتّصال)

۳) ﴿ ما هذا بشرًا، إن هذا إلاّ ملك كريم﴾ (كمال الاتّصال)

٤) ﴿اتّبعوا المرسلين، اتّبعوا من لا يسألكم أجرًا و هم مهتدون﴾ (شبه كمال الاتّصال)

۳۷- **عيّن ما فيه مساواة:**

۱) ﴿ يخرّبون بيوتهم بأيديهم﴾
۲) ﴿ فيها فاكهة و نخل و رمّان﴾
۳) ﴿ و قطّعناهم في الأرض أُممًا﴾
۴) ﴿ إنّ الله لا يظلم مثقال ذرّة﴾

۳۸- **عيّن الخطأ في غرض التشبيه:**

۱) ما قــوبلتْ عــيناه إلاّ ظُــنّتا تحت الدّجى نارَ الفريق حلولا! (مقدار حال المشبّه به)
۲) أرى كلَّ ذي جود إليك مـصيرُه كــأنّك بحـــر و الملوك كواكبه! (بيان حال المشبّه)
۳) لا تحسبوا أنّ رقصي بينكم فرحًا فالطّيرُ يرقصُ مذبوحًا من الألم! (بيان إمكان المشبّه)
۴) أصبحتُ من ليلى الغداة كقابضٍ على الماء خانته فروج الأصابع! (تقرير حال المشبّه)

۳۹- **عيّن الخطأ في علاقة المجاز المرسل:**

۱) سال الوادي (محليّة)
۲) إنّ الأبرار لفي نعيم (حاليّة)
۳) سأُوقدُ نارًا (اعتبار ما يكون)
۴) حَمَى فلانٌ غمامة واديه (مسبّبية)

۴۰- **عيّن الأبلغ من الاستعارة:**

۱) إنّ الــتــبـــاعـــد لايــضُـــ ـــرّ إذا تـــقاربــت الـــقـلوب!
۲) وَعــدَ البــدرُ بـــالزيــــارة لــيلاً فـــإذا ما وفـى قـضـيتَ نذوري!
۳) سقاه الرّدى سيفٌ إذا سلّ أومضت إليه ثنايا المـوت مــن كـلّ مَرقدِ!
۴) لـــدى أسدٍ شــاكي السّلاحِ مقذّفٍ لـــــــه لِـــبد أظـفارهُ لـم تقـلَّم!

۴۱- **عيّن الخطأ في لازم الكناية:**

۱) ركب جناحي نعامة! (الخوف)
۲) أشكو إليه قلّةَ الجرذان! (الفقر)
۳) لوت اللّيالي كفّه على العصا! (الهرم)
۴) تجول الخلاخيلُ ولا أرى لها خلخالأولا قُلبا! (المرأة السّمينة)

۴۲- **عيّن الصحيح في قوله تعالى: ﴿ و إن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم و طعنوا في دينكم فقاتلوا أئمةَ الكفر﴾**

۱) التّفريع
۲) التّجريد
۳) الاستتباع
۴) المذهب الكلامي

■■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳-۷۷)

۴۳- عيّن الصحيح عن العصر الجاهلي:

۱) ليست الحروف العربية حروفًا وضعيّة بل إنّها تولّدت بتنوّع الحرف النبطي الّذي كان شائعًا في شمال جزيرة العرب قبل العرب!

۲) اللّغة العربية أرقى اللّغات السامية فصاحة و اتّساعًا و أقرب من أخواتها إلى الآرامية و إن كانت السامية أقدم منها عهدًا!

۳) إنّ الشّعر الجاهلي له لغة فصحى واحدة هي في الأصل لهجة أهل الشام و تمتاز هذه اللّغة بالإعرابيّة و الاشتقاقيّة و النحت و الترادف!

۴) كان للعرب في الجاهلية كتاتيب لتعليم القراءة و الكتابة و اشتهر في ذلك أهل الحجاز الذين كانو يجيدون قراءة عدّة لغات أجنبية و كتابتها!

۴۴- لماذا لم تُذكر الحماسة بين أغراض الشّعر العربي القديم؟

۱) لأنّ اهتمام النقّاد العرب كان منصبًّا على البيت الواحد!

۲) لأنّ الحماسة كانت من أغراض الشّعر الفارسي و لم يكن النقد العربى يعرفها!

۳) لأنّ النقّاد العرب كانوا يهتمّون بالمدح و الهجاء و الرّثاء دون غيرها من الأغراض!

۴) لأنّ العنصر العربي لم يكن يحلّ مكان الصدارة في قيادة الجيوش في عصر تدوين النقد الأدبي!

۴۵- عيّن الصحيح عن أسلوب حسّان بن ثابت الأنصاري:

۱) كان هجوه للأعداء بعيدًا من الفحش و الإقذاع الشنيع!

۲) كان حسّان يمدح الملوك على الطّراز القديم يحفل بالتّفخيم و التّعظيم!

۳) كان وصفه للخمرة بعيدًا عن الحيويّة لأنّه لم يكن يحبّ الخمرة!

۴) كان يفاخر في وجه الأعداء بأسلوب جديد يختلف عن العصر الجاهلي!

۴۶- وُلد في فيافى الدهناء ببادية اليمامة و نشأ فيها و كان شديد الفقر دميمًا يضرب لونه إلى السّواد، لمّا نشب الهجاء بين جرير و الفرزدق دخل بينهما و ناصر الفرزدق على الجرير! هذا الكلام يدلّ على:

۱) ذي الرّمّة! ۲) مُتمّم بن نويرة!

۳) رؤبة بن العجّاج! ۴) عبيد الله بن قيس الرقيّات!

۴۷- عيّن الخطأ:

۱) كان العراق موطنًا من مواطن الجدّ و السّعي و لكن بعد زمن أصبح موطنًا للتهتّك و الاستهتار!

۲) السّبب الرئيس في تغيير سلوك العراقيّين و اتّخاذهم طريق المجون كان انتقال الخلافة من الشّام إلى بغداد!

۳) ظلّت الشّام تكاد تشارك العراق في جدّه و لا تكاد تشارك الحجاز في لهوه، و أهل الشّام كانوا آنذاك عماد الخلافة الأُموية!

۴) التّغيير في خلقيّات المواطن العراقي لم ينشأ في العراق نفسه و لكنّه وفد على العراق من الحجاز الّذي كان قد ذوّق هذه الاستحالة من قبلُ!

۴۸- عيّن الصّحيح للفراغ: كان ...... زعيم التّصنيع البديعيّ الّذي عمّت موجته من بعده فأصبح من ذوق عصره!

۱) ابن المعتزّ ۲) مسلم بن الوليد ۳) الحسين بن الضّحّاك ۴) العبّاس بن الأحنف

۴۹- عيّن الخطأ:

۱) كان في عصر الأُمويين يتّخذ النّقّاد اللّفظ و المعنى مقياسًا لجودة الشّعر!

۲) كان في البداية كلّما قرب اللّفظ من البداوة و يملأ الفم و يهزّ السّمع، كان هو الأجود!

۳) الجماليّة في الشّعر في بداية العصر العباسيّ كانت تدور حول مقدار اتّباع الشّاعر الماضين أم خروجه!

۴) الخلاف بين القدماء و المحدثين يتمثّل في كلّ من «البحتري و أبي تمّام» و « أبي نواس و مسلم» و «المتنبّي و أبي تمّام»!

۵۰- عيّن الخطأ حول ما نعرف من التّغييرات و التطوّرات في الشّعر عند القدامى و المحدثين في القرون الأُولى:

۱) نشأ في عصر بني أُميّة نوعان من الشّعر لم يكن قد ألفهما الجاهليّون أو أحسنوا فهمهما و هما الغزل و الشّعر السياسي!

۲) من أسباب عدم التطوّر الجذري هو أنّ الأُمّة العربيّة لم تعرف من آداب الأُمم الأُخرى شيئًا يُذكر و لم تخالط هذه الأُمم من الوجهة الأدبيّة!

۳) لا يمكن أن نقارن العصر الأُموي مع العصر العباسي؛ فلا نشاهد تجديدًا أو تغييرًا في العصر الأُموي، فالشّاعر كان يتّبع الجاهليّين في الصّورة و المضمون!

۴) إنّ الحياة العربيّة تطوّرت، أو ربّما يمكن أن نقول أنّها تبدّلت في القرنين الأوّل و الثّاني كاملًا، و لكنّ الآداب لم تتغيّر لا في الصّورة و لا في الموضوع!

۵۱- عيّن الخطأ:

۱) لحياة بشّار الأدبيّة مراحل ثلاث: ۱- بشّار المعتدل ۲- بشّار المستهتر ۳- بشّار التائب

۲) كان بشّار في أوّل أمره متّصلًا بالمعتزلة و رجال الفقه و الدّين، ثمّ أضحى رجلًا غزلًا!

۳) عوتب بشّار مرّة و أُنذر ثانية و عوقب ثالثة و ضرب و مات لإسرافه في الزندقة و الغزل الماجن!

۴) كثير من مخضرمي النّظامين مثل حمّاد عجرد كانوا في أوّل أمرهم أصحاب جدّ ثمّ تغيّرت أحوالهم و أضحوا أصحاب لهو!

۵۲- **عیّن <u>الخطأ</u>:**

۱) بظهور أبي تمّام يبدأ التّعقيد الفنّي في الشّعر العربي!

۲) من ميزات القرن الثالث هو أنّ النثر بدأ يفوق الشّعر!

۳) كان من ميزات القرن الثاني الاضطراب و عدم الاستقرار في كلّ شيء!

٤) في الأجناس الأدبيّة الشعريّة كان جنس الفخر أكثر استيعابًا و شيوعًا عند الشعراء!

۵۳- **لماذا كان «دعبل» مخاصمًا لأبي تمّام؟ عيّن الصحيح:**

۱) لأنّه كان يكثر قراءة شعر الشعراء الّذين سبقوه!

۲) لأنّ أباتمّام كان متّهمًا بالإكثار في السّرقات الشعرية!

۳) كان أبوتمّام يدافع عن الأنظمة الحكومية و يعارض المخالفين!

٤) كان أبوتمّام قد أخمل كثيرًا من الشّعراء حيث إنّهم لم يستطيعوا أن يكسبوا درهمًا!

٥٤- **كان الشّاعر في العصر العباسي يأخذ ثقافته من أحد المصادر التالية: (عيّن <u>الخطأ</u>):**

۱) اليونانيّة الخالصة الّتي نقلها المسلمون!

۲) ثقافة الروميّين الّتي نقلها المسيحيّون!

۳) الثّقافة العربيّة الّتي تشمل ثقافة الجمهور و القرآن و العلوم الإسلاميّة!

٤) الثّقافة الشّرقية الّتي تشمل الإيرانيّين و الهنود و بعض الشّعوب السامية!

٥٥- **لماذا كان أبوتمّام مبغضًا إلى المحافظين؟ عيّن <u>الخطأ</u>:**

۱) كان أبوتمّام مرهفًا بالمعنى حيث يفسد الموسيقى أحيانًا!

۲) إنّ أباتمّام كان مشغوفًا بالمعاني الّتي لم تكن في متناول الأيدي!

۳) كان أبوتمّام قبل كلّ شيء يعتني بالموسيقى الشّعرية الّتي تأتي من البديع و قد كان يرجّح هذه الشّكليات!

٤) كان القدماء يتّخذون الصورة الشعريّة و البديع وسيلة إلى الجمال الفنّي بخلاف أبي‌تمّام فلم يكن له ذلك غاية الشّعر!

٥٦- **ما كان سبب تقدّم أبي‌تمّام على معاصريه؟ عيّن الصحيح:**

۱) كان مفكّرًا قبل أن يكون شاعرًا!

۲) إنّه كان يعتمد على الطّبع وحده في الشّعر!

۳) إنّه كان رمزًا لجنس «المدح» الشّعري المتواجد في عصره!

٤) لم يكن متأثّرًا بثقافة عصره بل كان حديثًا في جميع السّاحات!

٥٧- **عيّن <u>الخطأ</u> للفراغين:** يُعتبر .... من أصحاب .... في النّقد الأدبي في العصر العباسي!

۱) الآمدي / منهج الموازنة

۲) ابن سلام الجمحي / المنهج اللغوي

۳) الجاحظ / المنهج الكلامي

٤) ابن قتيبة الدينوري / المنهج الفلسفي

۵۸- **عيّن الصّحيح للفراغ:** كان ..... حلقة الوصل بين المدرسة الحميديّة و المدرسة الجاحظيّة!

۱) أحمد بن يوسف ۲) أبوبكر الصّولي ۳) سهل بن هارون ۴) عمرو بن مسعدة

۵۹- **عيّن الخطأ بالنّسبة لأغراض الشعر و فنونه في العصر العبّاسي:**

۱) قويَ الشعر الرثائي / ضعفَ الشّعر الحماسي / ظهرَ الشّعر التّعليمي

۲) ظَهر الشّعر القصصي / استقلّ الشعر الطّردي / قوي الشعر المدحي

۳) استقلَّ الشّعر الزّهدي / قويَ الشعر الهجائي / ضعفَ الشعر الفخري

۴) ضعفَ الشعر السياسي / ظَهر الشّعر الفلسفي / استقلَّ الشّعر الوصفي

۶۰- **عيّن الصحيح عن اللّغويين و النحويين و المفسّرين و المتصوّفين في العصر العبّاسي على التّرتيب:**

۱) الزّمخشري / الفرّاء / الثّعلبي / الكندي

۲) ابن النّديم / الكسائي / الطّبري / الحلّاج

۳) ابن دُريد / يونس بن حبيب / الرّازي / ابن عربي

۴) الأزهري / أبو عمرو بن العلاء / الأصمعي / ابن الفارض

۶۱- **عيّن الخطأ عن ميزات النثر العباسي:**

۱) التأنّق في اللفظ، أصالة المقدّمات، الإطناب!

۲) السهولة في العبارة، التأنّق في اللّفظ، الإيجاز!

۳) الميل إلى الغلوّ و الإكثار، التفصيل و الإطناب!

۴) الجودة في الوصف، السهولة في العبارة، التأنّق في اللّفظ!

۶۲- **عيّن الخطأ عن ميزات الشّعر العباسي:**

۱) استقلّ الشعر الزهدي و الخمري و الطّردي!

۲) ظَهر الشعر الفلسفي و الصوفي و التعليمي!

۳) ضعفَ الشعر المدحي و الرثائي و الهجائي!

۴) ضعفَ الشعر السياسي و الحماسي و أُهمل الغزل العذري!

۶۳- **عيّن الصحيح:**

۱) إستطاع ابن قتيبة أن يوحّد بين اللّفظ و المعنى!

۲) إستطاع الجاحظ أن يقضي على ثنائيّة اللّفظ و المعنى!

۳) إستطاع ابن طباطبا أن يربط بين علم الجمال و لغة الشّعر!

۴) إستطاع عبد القاهر الجرجاني أن يوحّد بين فلسفة اللّغة و فلسفة الفنّ!

۶۴- **عيّن الخطأ عن منهج عبد القاهر الجرجاني النقدي:**

۱) كان يخالف ثنائيّة اللّفظ و المعنى!

۲) بُنيت دراساته على أساس المنهج اللغوي!

۳) كان أوّل من تنبّه إلى العلاقة بين أصوات اللّغة و معانيها!

۴) المجال التطبيقي لدراساته كان محدودًا بالشّواهد المبتورة و الأبيات المحدودة!

۶۵- هل تُحسب المقايسة بين « رسالة الغفران» للمعرّي و «الفردوس المفقود» لجون ملتون، من دراسات المقارنة حسب المدرسة الفرنسية؟

۱) نعم، لأنّ كليهما مكفوفان!

۲) نعم، لأنّ الأثرين حول السفر إلى الآخرة!

۳) لا، لأنّ المقارنة لا تُقبل بين العربية و الإنكليزية!

۴) لا، لأنّ ملتون لم يطّلع على رسالة الغفران و لم يتأثّر بها!

۶۶- عيّن الصحيح عن المؤلّفات اللغويّة و علمائها في العصر العثماني:

۱) تقتصر العلوم اللغويّة على محاولات اللغويّين في كتابة المعاجم كمعجم تاج العروس للزبيدي!

۲) من أهمّ المحاولات اللغويّة كتاب كشف الظنون لحاجي خليفة و هو معجم مرتّب على الحروف الأبجديّة!

۳) كتاب الكشكول لبهاءالدين العاملي معجم لغوي غيرمرتّب على ترتيب خاصّ، فلهذا تصعب مراجعته للقارئ!

۴) كتاب كشّاف اصطلاحات الفنون للتهانوي، معجم يستعان به في وضع المصطلحات اللغوية للعلوم الجديدة!

۶۷- عيّن <u>الخطأ</u> عن جميل صدقي الزّهاوي:

۱) إنّه شديد الاعتناء بآرائه الإصلاحيّة بشعره، كما كان شاعر المرأة الجديدة!

۲) إنّه شاعر يجمع ما بين اللّين و القوّة و الفنّ و الفلسفة و الدّعة و العنفوان!

۳) نرى في شعره الشكوى و شكواه تنال مواطنيه و الزّمان و الحكّام و لكنّها لا تنال الطبيعة البشريّة!

۴) إنّه شاعر عقلاني لا يطمئنّ بغير ما يسمع أو يبصر و لا يصدّق شيئًا من الأخبار من غير تحفّظ و تبصّر!

۶۸- أيّ شاعر <u>لا يدخل</u> في زمرة شعراء ما بين التقليد و التجديد؟:

۱) أحمد شوقي ۲) فوزى المعلوف ۳) خليل مطران ۴) أمين نخلة

۶۹- عيّن المنهج المتّبع عند صاحب العبارات التالية:

فهو كان يهجو النّاس، و يبسط لسانه فيهم، و يشنع عليهم ليرهبهم و يخيفهم، و يظفر بما لهم أو يبتزّه على الأصحّ. فيعيش مترفًا مُنعمًا موسعًا عليه، و يبقى مخشيّ اللسان. و إذا كان على ضخامة جثّته و متانة أسره و شدّة بنيته لا يستطيع أن يكون فاتكًا، لما مني به من العمى، فقد اتّخذ من لسانه أداة للفتك و البطش، و وسيلة إلى استشعار القوّة و إفادة العزّة! قالت له بنته مرّة: يا أبتِ ما لك يعرفك الناس و لا تعرفهم؟ قال: هكذا الأميرُ يا بنيّة!

۱) النفسي ۲) الاجتماعي ۳) التاريخي ۴) المتكامل

۷۰- عيّن ما <u>ليس</u> من مخاطر المنهج التاريخي في النقد الأدبي:

۱) الاستقراء التامّ ۲) الأحكام الجازمة و الحازمة

۳) التعميم العلمي ۴) إغفال قيمة العبقريّة الشخصية

۷۱- عيِّن ما <u>ليس</u> من ميزات المدرسة الرومانسيّة:

۱) الوحدة العضوية!

۲) الامتزاج بالطبيعة و الذوبان فيها!

۳) الإحساس بالغربة بكلّ أشكالها و شتّى مناحيها!

٤) الأدب الموجّه النابع من الفهم الديناميكي لحركة التاريخ!

۷۲- ما هو أهمّ الملامح الأسلوبيّة الّتي أحدثتها مدرسة الإحياء في الشّعر العربي الحديث؟

۱) الابتعاد عن تكلّف البديع و الزخارف اللفظيّة إلى الرصانة و التحرّر!

۲) الانتقال من التعقيد و الغموض و الألغاز إلى السهولة و القوّة و الوضوح!

۳) الارتقاء بالكلمة و العبارة من الضّعف و الابتذال إلى صحّة التركيب و قوّته!

٤) التعبير عن الأحاسيس الذاتيّة و الحياة المعاصرة و القضايا القومية و أحداث العصر!

۷۳- عيِّن <u>الخطأ</u>:

۱) القسيم المشترك عند البنيويّين و الشّكلانيّين في ساحة عمليّة فهم النصّ هو الاهتمام بالأرضيّة!

۲) في رؤية ما بعد الحداثويّين - على خلاف الحداثويّين - تضمحلّ المرجعيّة في جميع الساحات الفكرية!

۳) عند أصحاب نظريّة التلقّي لا يمنح النصُّ و الملابسات المحيطة به و كذلك السياق المعاني و الدلالات للمتلقّي!

٤) المنهجيّة و النّقد اللغويّ حول النصّ ضحيّتان كبيرتان في مجموعة الاتّجاهات النقديّة الحديثة المسيطرة على الساحات الفكرية النقديّة!

۷٤- عيِّن <u>الخطأ</u> حول ميزات اتّجاه الهرمنيوطيقا الفلسفيّة:

۱) المعنى النصّي عند متّبعي هذا الاتّجاه مخلوق لا مكشوف!

۲) المحاولة للحصول على قصد المؤلف في النصّ تافِه لا طائل تحته!

۳) أصحاب هذه الفكرة يرفضون فكرة موت المؤلّف و غياب المعنى النّصي و السياق!

٤) هذا الاتّجاه من فروع ما بعد الحداثة حيث إنّه يعارض بعض مكتسبات مرحلة الحداثة!

۷۵- عيِّن الصحيح: المقصود من «متافيزيقا الحضور»عند التقويضيين أو التفكيكيين هو أنّ ...

۱) الآليّات الّتي نستخدمها لاستخراج المعنى من النص مأخوذة من التصوّرات و الأخيلة، فلا آلية لاستخراج المعنى!

۲) المعتمَد في منهجيّة فهم النص هو الخيال و القوّة الفاهمة و الذهنية للمتلقّي، فلا مرجعيّة للنص!

۳) حضور المؤلف أثناء عملية فهم النصّ حضور غيبيّ لا نراه إلّا مِن وراء الحجب الذهنية!

٤) النّص لا يشتمل على المعنى بل المعنى هو الأمر الّذي سيحدث أثناء قراءة النصّ!

۷۶- عيّن ما فيه كلّه من الكلمات المفتاحية للبنيويين:

۱) النظرة التطورية، البنية، الثنائيات، البينصيّة

۲) النظرة التزامنية، التناص، زمان صدور الكلام، الترادف

۳) النظام الائتلافي، البنية، الغرائب اللغوية، مكان صدور الكلام

٤) النظام الاستبدالي، المنظومة المعنوية، المؤلّف، التضادّات اللغوية

۷۷- عيّن الصحيح:

۱) الكلمة المفتاحية للشكلانيين في عملية فهم النصّ هي «الغرائب»!

۲) كلمتان أساسيّتان في اتّجاه الشكلانيّين هما «الصورة» و «سياق غير اللّغوي»!

۳) إذا لم يُدرس زمانُ صدور النصّ و مكانُه فإنّه لا يليق أن نُسمّيه تحليلًا شكلانيًّا!

٤) «المؤلّف» هو الحجر الأساس عند الشكلانيّين لأنّه هو الّذي يوجد صورة النصّ و شكله!

■■ اقرأ النصوص التالية (ألف – ب – ج – د – هـ – و) ثم أجب عن الأسئلة (۷۸–۱۰۰) بما يناسب النص

ألف (۷۸ و ۷۹) جاء في القرآن الكريم:

﴿ و كم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا، فنقّبوا في البلاد هل من محيص. إنّ في ذلك لذكرى لمن كان له قلبٌ أو ألقى السّمع و هو شهيد ... و من اللّيل فسبّحه و أدبار السّجود ... إنّا نحن نحيي و نميت و إلينا المصير. يوم تشقّق الأرض عنهم سراعًا، ذلك حشر علينا يسير. نحن أعلم بما يقولون و ما أنت عليهم بجبّار، فذكّر بالقرآن من يخاف وعيدِ﴾

۷۸- عيّن ما لم يأتِ في الآيات:

۱) العقل منقذ من الهلاكة!

۲) عدم إكراه الآخرين بالإيمان!

۳) التذكر بالقرآن يختصّ بالخائفين الوُعودَ!

٤) ودائع الأرض لها عجلة بالخروج!

۷۹- **عيّن الخطأ**: الأخبار الّتي جاءت في الآيات هي:

۱) ربّما هناك من لا يتّبع النبيّ (ص) و هو يخاف ربّه!

۲) تتصدّع الأرض بسرعة و الأجداث تخرج من الأرض!

۳) إنّ العبادة في بعض آناء اللّيل و في حالة السّجود أحسن!

٤) كان النبيّ (ص) يحرص على أن يقبل النّاس ما أُوحي إليه!

ب (۸۰-۸۲) جاء في نهج البلاغة:

وُقِر سمعٌ لم يفقه الواعيةَ و كيف يُراعي النَّبأةَ من أصمَّته الصَّيحةُ، رُبط جنان لم يفارقه الخفقان! مازلت أنتظر بكم عواقب الغدر و أتوسَّمكم بحلية المغترِّين حتّى ستَرَني عنكم جلبابُ الدين و بصَّرنيكم صدق النيّة! أقمت لكم على سنَن الحقّ في جوادّ المضلّة حيث تلتقون و لا دليلَ، و تحتفرون و لاتُميهون! اليوم أُنطق لكم العَجماء ذاتَ البيان! عَزَب رأيُ امرئ تخلَّف عنّي! ما شَككت في الحقّ مذ أُريتُه! لم يوجِس موسى خيفةً على نفسه، بل أشفق مِن غلبة الجهّال و دوَل الضّلال! اليوم تَواقفْنا على سبيل الحقّ و الباطل. من وثِق بماء لم يُظمأ!

۸۰- عيّن الصحيح في المقصود من التّعابير التّالية:

۱) من وثِق بماء لم يظمأ: کسی که به آب مطمئن شود، دیگر دچار احساس تشنگی نخواهد شد!

۲) أُنطق لكم العَجماء ذاتَ البيان: برای شما ناشنوای دارای قدرت بیان را به زبان می‌آورم!

۳) أشفق مِن غلبة الجهّال و دوَل الضّلال: از غلبهٔ جاهلان و دولتهای گمراهی می‌ترسم!

٤) أقمت لكم على سنن الحقّ في جوادّ المضلّة: برای شما بمنظور راهنمایی‌تان به راههای حق در میان جاده‌های گمراهی بپاخاستم!

۸۱- بيّن من الظّروف الاجتماعية الّتي لم تأت في النص:

۱) بعض الأحيان كان الخوف من سيطرة الجهلة يسبّب الصّمت و السّكوت!

۲) هناك جماعات تحاول الحصول على النّور لكنّهم ما كانوا يجدونه!

۳) الحقّ ظاهر و الباطل مستور و النّاس حائرون بين هذا و ذاك!

٤) هناك فئات كانوا يظهرون الحقّ و هم كانوا بعيدين عنه!

۸۲- من آليّات المعرفة هي:

۱) النّوايا السليمة

۲) سماع صوت الواعين

۳) استنطاق العجماء

٤) القيام في جوادّ المضلّة

ج (۸۳-۸۵) يقول ابن المقفّع:

إذا تراكمت عليك الأعمال فلا تلتمس الرّوح في مدافعتها يومًا بيوم و الرّوغان منها، فإنّه لا راحة لك إلّا في إصدارها، و إنّ الصبر عليها هو الّذي يخفّفها عنك و الضّجر هو الّذي يراكمها عليك! فتعهّد من ذلك في نفسك خصلة قد رأيتها تعتري بعضَ أصحاب العمل، و ذلك أنّ الرجل يكون في أمر من أمره فيردُ عليه شغل آخر أو يأتيه شاغل من النّاس يكره إيتاءه فيكدّر ذلك بنفسه تكديرًا يفسد ما كان و ما ورد عليه حتّى لا يُحكم واحدًا منها. فإذا ورد عليك مثل ذلك ... فاختر أولى الأمرين بشغلك...!

۸۳- **ما هي المشكلة الّتي تناولها النصّ؟**

۱) اِختيار أهمّ العملين عند حدوثهما!

۲) ظاهرة تراكم الأعمال و كيفيّة إنجازها!

۳) الإحساس بالرّوح أو الرّوغان في مواجهة الأعمال!

۴) الشعور بالغمّ و السّآمة عند تخفيف تراكم الأعمال!

۸۴- **عيّن الخطأ:**

۱) يتميّز أُسلوب كتابة ابن المقفّع بالاستطراد و الإكثار منه!

۲) الأعمال المتراكمة لا تعني الأعمال الكثيرة فإنّ بينهما خلاف بيّن!

۳) لكي نتغلّب على الأعمال المتراكمة يجب أن نبدأ بإنجاز أهمّ الأعمال ثم الأهمّ فالأهمّ!

۴) في مواجهة تراكم الأعمال إذا أحسسنا بالتبرّم بها فإنّ هذا بدل أن يريحنا يزعجنا و يراكمها أكثر!

۸۵- **عيّن الخطأ:** من نصائح ابن المقفّع لمخاطبيه هي .....

۱) ألّا يشعروا بالضّيق!
۲) ألّا يميلوا إلى الراحة!
۳) ألّا يهربوا من الأعمال!
۴) ألّا يدافعوا عن تراكم الأعمال!

د (۸۶-۹۰) قد أنشد الفرزدق الشاعر:

۱- إنّ الّذي سمك السّماء بنى لنا ... بيتًا دعائمه أعزّ و أطول
۲- لا يحتبي بفناء بيتك مثلُهم ... أبدًا إذا عُدّ الفعال الأفضل
۳- ضربت عليك العنكبوت بنسجها ... و قضى عليك به الكتابُ المنزل
۴- و إذا بذخت فرايتي يمشي بها ... سفيانُ أو عُدُسُ الفعال و جندل
۵- الأكثرون إذا يُعدّ حَصاهم ... و الأكرمون إذا يعدّ الأوّل
۶- إنّ الزحام لغيركم فترقّبوا ... ورد العشيّ إليه يخلو المنهل
۷- أحلامنا تزن الجبال رزانةً ... و تَخالنا جنًّا إذا ما نجهل
۸- فادفع بكفّك إن أردت بناءنا ... ثهلان ذا الهضباتِ هل يتحلّحل

۸۶- عيّن **الخطأ**: بعض مواصفات الحياة المعيشيّة عند العرب و ظروفهم البيئية هو ...

۱) الجلوس في ساحة البيوت! ۲) كثرة الفقراء و قلّة الأغنياء!

۳) اِرتفاع سقوف خيام الأعاظم! ۴) قلّة موارد المياه ممّا تؤدّي إلى التزاحم!

۸۷- عيّن الخطأ في ما أُستنتج من النصّ:

۱) لم تكن العطالة ممدوحة في ثقافة العرب!

۲) لا يتبادرون إلى الحرب إلّا في الحالات الحرجة!

۳) كان الجنّ مطرودًا عند العرب فيتمثّلون به في السّلبيّات!

۴) تأثير الفرد في تمشية أُمور القبيلة كان أقوى من تأثير الأُسرة!

۸۸- المقصود من «أحلامنا» و «نجهل» في البيت السّابع هو:

۱) الرؤيا / نظلم ۲) الرؤى / ننسى ۳) العقول / نغضب ۴) الخيالات / لا نعرف

۸۹- عيّن الصحيح في مفهوم البيت السّادس:

۱) النّاس يجتمعون لغيركم فلا يحبّونكم فلذلك إذا أردتم دخول الموارد و المناهل فادخلوها ليلًا!

۲) غيركم يجتمع على الماء نهارًا و أنتم تتربّصون دخول الموارد العشائيّة لتفرغوا المياه من المناهل!

۳) قومك ضعاف لأنّكم لا تستطيعون المزاحمة على الماء فتنتظرون اللّيل ليخلو مورد الماء من الزحام!

۴) حين تجتمعون على المورد يحدث الزحام فعليكم أن تواظبوا على دخول الموارد ليلًا لكونها خالية من النّاس!

۹۰- عيّن البيت الّذي يعبّر عن الموضوع التالي: « لن تستطيع أن تنال من مجدنا و إن حاولت كنت كمن يحاول أن يزحزح جبلًا عظيمًا من مكانه و هذا مستحيل!»

۱) البيت الثامن ۲) البيت السابع ۳) البيت الخامس ۴) البيت الرابع

هـ (۹۱-۹۵) قد أنشد أبو تمّام الشّاعر:

۱- رقّت حواشي الدّهر فهي تمرمر — و غدا الثّرى في حليه يتكسّر
۲- نزلت مقدّمة المصيف حميدة — و يد الشّتاء جديدة لا تكفر
۳- مطر يذوب الصّحو منه و بعده — صحوٌ يكاد من الغضارة يقطُر
۴- غيثان فالأنواء غيث ظاهر — لك وجهه و الصّحو غيث مضمر
۵- يا صاحبيّ تقصّيا نظريكما — تريا وجوه الأرض كيف تصوّر
۶- دنيا معاش للورى حتّى إذا — حلّ الربيع فإنّما هي منظر
۷- من كلّ زاهرة ترقرق بالنّدى — فكأنّها عين إليك تحدّر
۸- تبدو و يحجبها الجميمُ كأنّها — عذراء تبدو تارة و تَخفَّر

۹۱- عيّن الخطأ:

۱) بعد التقصّي و الاستقصاء تتمثّل الأرض و تصير أشكالًا متنوّعة جميلة بديعة!

۲) في الربيع اللّذّة في التمتّع بالنّظر إلى الزهور الّتي يصوغها بطن الأرض و يخرجها إلى ظهرها!

۳) لم يكن المطر يكفي لإخصاب الأرض و تنميتها بل ينبغي وجود الصّحو، فهو لم يكن أقلّ أهميّة من المطر!

٤) لقد بدا تأثير المنطق حين اعتبر الغيث غيثين، فهذا يمثّل بيئة الشاعر الّتي ترجّح النّظرة التّعليليّة!

۹۲- لماذا أعتبر الصحو غيثًا مضمرًا؟

۱) لأنّه إنّما ينتج الغيثُ الصّحو فهذا نتيجة ذلك!

۲) لأنّه هو الّذي يخصب الأرض بعد أن روّاها الغيث!

۳) لأنّ الغيث في باطنه و ضميره يسبّب الانبعاث و الحيويّة!

٤) لأنّ النّوء يغيث المضطرّين و يزيل العطش من قلوب الظّامئين!

۹۳- عيّن الصحيح: قد شبّه الشاعر ...

۱) الثّرى بالحلية!
۲) الزّهرة النديّة بالعين الباكية!
۳) الغيث بالصّحو
٤) الأرض المغطّية بالنّبات بامرأة مستهترة!

۹٤- عيّن البيت الّذي ينقل الشاعر فيه ما كان يشاهده من الألبسة المزركشة الزاهية إلى الظّواهر الطّبيعية في الربيع.

۱) البيت الأول ۲) البيت الثالث ۳) البيت السادس ٤) البيت السابع

۹٥- أذكر البيت الّذي يتكلّم الشاعر فيه عن الموضوع التالي:

« إنّ الزّهور في الربيع أهداب ترنو و عندما يسترها النبت تبدو و كأنّها تختبئ دلًّا و حياءً»

۱) البيت الأول ۲) البيت الرابع ۳) البيت السابع ٤) البيت الثامن

و (۹٦-۱۰۰) قد أنشد خليل مطران الشاعر:

۱- شاكٍ إلى البحر اضطراب خواطري — فـيجيبني بـرياحـه الهوجاء
۲- ثـاوٍ على صخر أصمّ و ليت لي — قلبًا كهذي الصّخـرة الصّمّاء
۳- ينـتابـها مـوج كمـوج مـكارهي — و يَفتّها كالسّقم فـي أعضائي
٤- و البحر خفّاق الـجـوانب ضـائق — كمَدًا كـصدري ساعة الإمساء
٥- تغـشـى البريّة كـدرة و كـأنّها — صعدت إلى عينيَ من أحشائي
٦- و الأفـق معـتـكر قـريح جفنه — يُغضي على الغمرات و الأقذاء

۹۶- برأيك لماذا لا يعزّي البحر الشّاعر و لا يسعفه؟

۱) لأنّه تنعكس نفسه على مرآة البحر و هي تخلع عليه الاضطراب!

۲) لأنّ الشاعر الرومنسي لا يبحث عن الاستقرار و الطمأنينة فوجوده في الاضطراب!

۳) لأنّه لا يستكين و لا يهدأ و لا تصفو مياهه بل إنّ الرياح تهبّ و الأمواج تفتّت مستمرًّا!

۴) لأنّ الأمواج العاتية و خفقان البحر و التّعاسة النّفسية لا تسمح بتسرّب التسلية و السكينة في قلب الشاعر!

۹۷- عيّن الصحيح:

۱) رياح البحر بخلاف رياح الهموم تكسّر الصّخور العاتية!

۲) يفزع الشاعر إلى البحر طلبًا منه للعزاء و السّلوى و الهدوء!

۳) سبب تمنّي الشّاعر لاستحالة قلبه إلى الصّخرة هو مقاومتها و قوّتها!

۴) الغرض من الرّياح في هذه الأبيات هي رياح الشؤم و الهمّ في يَمّ النّفس!

۹۸- اُذكر البيت الذي يعبّر عن الموضوع التالي:

«إنّ الحزن و القنوط مطبّقان على ما لاذ به الشاعر حيث إنّ صدر البحر يضيق كصدر الشاعر»

۱) الثاني ۲) الثالث ۳) الرابع ۴) الخامس

۹۹- عيّن <u>الخطأ</u>:

۱) يطلب الشّاعر النجاة و الخلاص من شعوره الطاغي!

۲) قبيل المغرب الأشجان عند الشّاعر تثار أكثر من أيّ وقت مضى!

۳) أدرك الشاعر أنّ الاضطراب يخفق في مظاهر الكون و عناصره مثله!

۴) جمع الشّاعر في هذه الأبيات التّجارب الثّلاث: الحبّ و المرض و الغربة!

۱۰۰- عيّن <u>الخطأ</u> في ترجمة البيت السّادس و مفهومه:

۱) الوجود كأنّه مُسهّد غشيت أجفانه القروح بحيث يكاد يعجز عن إغماضها!

۲) إنّ العالم قد بدا مقرّح الجفن مطموس المعالم تعروه الأقذاء و يغشاه القتام!

۳) عين الأُفق الرمداء هي عين الحياة ذاتها أو بالأحرى هي عين الشّاعر المقرّحة بالأرق و الألم و أقذاء الشرّ و الهوان!

۴) إنّ الطبيعة المستعصية و العواصف الهَوجاء تناسب إعتكار الأُفق حيث يثير الشّجون و هذا يسبّب ألّا يقدر صفو الأُفق!